



بحران سازی با کارت‌های اعتباری

دکتر سید یاسر جبرائیلی

دولت جناب حجت‌الاسلام روحانی، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و پس از ناکامی در حل معضل رکود از طریق رونق‌بخشی به تولید، دست به اجرای یک برنامه پوپولیستی زده است که سابقه تولید بحران در کشورهای مختلف دارد. از امروز شبکه بانکی کشور کارت‌هایی با اعتبار ۱۰ تا ۵۰ میلیون تومان توزیع خواهد کرد که مردم طی ماه با آن بتوانند اقدام به خرید کالا و خدمات کنند و در انتهای ماه تسویه کنند. مطابق سازوکار طراحی شده، اگر امکان تسویه بدهی برای دارندگان کارت‌ها وجود نداشته، مانده بدهی آنها به مدت ۱۲ تا ۳۶ ماه با سود ۱۸ درصد تقسیم می‌شود.



یکی از اساسی‌ترین مشکلات این طرح آن است که هیچ نسبت مثبتی با مساله اصلی اقتصاد ایران یعنی رکود ندارد. در شرایطی که تولیدکنندگان ایرانی نمی‌توانند محصولات خود را در بازار به فروش برسانند و در نتیجه این رکود، روزانه اخبار متعددی از تعطیلی ده‌ها کارخانه و اخراج صدها کارگر منتشر می‌شود، دولت محترم تصمیم گرفته است بخش تقاضای اقتصاد را به صورت کور تقویت کند. از این جهت عبارت «کور» را به کار می‌بریم که وقتی هیچ سازوکاری برای مصرف تولیدات داخلی توسط این کارت‌ها طراحی نشده و هیچ تضمینی وجود ندارد که اعتبار این کارت‌ها صرف کالای وارداتی و حتی کالای قاچاق نشود، تقویت و تحریک بخش تقاضای اقتصاد منجر به تقویت تولید داخلی و افزایش درآمد ملی نخواهد شد و وقتی این حجم مصرف اثری روی تولید نداشته باشد، در یک بازه زمانی حدوداً یک ساله خود را به شکل تورم نشان خواهد داد. یعنی این طرح ضمن حفظ شرایط رکود، به تورم نیز دامن خواهد زد.

نکته مهم بعدی این است که طرح کارت‌های اعتباری، نه تنها مددی به تولیدکننده ایرانی نخواهد رساند، بلکه از مصرف‌کننده ایرانی نیز مساله‌ای حل نخواهد کرد. مشکل مصرف‌کننده ایرانی این نیست که برای خرید کالایی نمی‌تواند تا پایان ماه صبر کند و از طریق این کارت خواهد توانست با خرید در ابتدای ماه و تسویه در انتهای ماه، از زندگی زودتر لذت ببرد! لذا این بخش از طرح فقط یک ادعاست و آنچه عملاً اتفاق خواهد افتاد این است که مردم یک وام ۱۰ تا ۵۰ میلیونی با سود ۱۸ درصد و با بازپرداخت حداقل ۱۲ ماه دریافت خواهند کرد. سوال مهم این است: آیا در قبال این مصرف با سود ۱۸ درصدی، دولت برنامه‌ای برای افزایش ۱۸ درصدی درآمد خانوار در طول این ۱۲ ماه دارد؟ پاسخ روشن است. وقتی طرح کارت‌های اعتباری برای تقویت تولید داخلی هدف‌گذاری نشده است، یعنی با اجرای این طرح، نباید انتظار افزایش درآمد سرانه ایرانی را داشت. لذا باید گفت خانواری که از یک سو حتی درآمد اسمی‌اش افزایش نیافته و از سوی دیگر به سبب اثر تورمی طرح کارت اعتباری، با کاهش درآمد واقعی مواجه است، قدرت خریدش کاهش یافته و عملاً از محل این طرح متضرر خواهد شد به گونه‌ای که حتی نخواهد توانست بدهی کارت اعتباری خود را بازپرداخت کند. این بحران، هم‌اکنون دامنگیر ترکیه است که طی مقاله‌ای در ۱۴ تیرماه سال ۹۳ ضمن تشریح مبسوط وضعیت این کشور همسایه از جناب حجت‌الاسلام روحانی درخواست کرده بودیم: «این نسخه را برای ایران نیچید».

طرح کارت‌های اعتباری اگر نه سودی به حلال تولیدکننده ایرانی دارد و نه درآمد واقعی مصرف‌کننده ایرانی را افزایش می‌دهد، آثار انتخاباتی بسیار مهمی دارد. «مصرف استقراضی» تا زمانی که مصرف‌کننده تحت فشار بازپرداخت و آثار منفی استقراض قرار نگیرد، اثر روانی مثبت و کوتاهمدتی دارد. متأسفانه دولت محترم برایش اهمیتی ندارد که مردم بنیاداً از کدام محل این بدهی را بازپرداخت کنند و صرفاً به آثار انتخاباتی «افزایش کاذب رفاه» می‌اندیشد. کسانی که توزیع سبب‌زمینی مازاد میان مردم به جای امحای آن را یک رفتار پوپولیستی انتخاباتی می‌خوانند، امروز می‌خواهند توان مصرف مردم را به صورت کاذب افزایش داده و با بدهکار کردن آنان، از پل انتخابات عبور کنند. ادامه در صفحه ۵

واکنش فرماندهان نظامی به برخی اظهار نظرهای برای تضعیف توان دفاعی کشور

سر لشکر باقری: نادانند

از نمایش اس ۳۰۰ و عماد تا قدرت‌نمایی در خلیج فارس در روز رژه نیروهای مسلح

هلاکت ده‌ها نظامی سعودی در اتاق عملیات حلب

تأمین تروریست‌ها در پوشش UN

روحانی: اروپا به بانک‌های بزرگ برای همکاری با ایران اطمینان دهد

حکم دادگاه‌های داخلی درباره متهمان فساد بزرگ گازی را اجرا کنید

آخرین تلاش‌ها برای کاهش خسارات کرست

تسخیر اقتصاد مقاومتی

امیر صدیقی

به نظر شما اگر یک مدیر اقتصادی خارجی از نوع بسیار متخصص و کاربلد به کشور وارد کنیم چه خواهد شد؟ مثلاً اگر مدیر مذکور را در وزارت صنعت، معدن و تجارت جای دهیم و از وی بخواهیم وضعیت صنعت، معدن و تجارت کشور ما را سر و سامانی دهد و تراز تجاری کشور را مثبت و رکود صنایع داخلی را به رونق تبدیل کند و خلاصه امور را بر مسیر درست خود بگرداند، این مدیر چه ابزارها و اختیاراتی را طلب خواهد کرد؟ قطعاً شفافیت فضای کلان اقتصادی از مهم‌ترین خواسته‌هایش خواهد بود یا به عبارتی جزو مهم‌ترین اهدافش! شفافیتی که باعث خواهد شد درصد بسیار زیادی از فعل و انفعالات اقتصادی قابل رهگیری و از ابتدا تا انجام آنها قابل بررسی باشد. مثلاً آن وقت یک نفر نمی‌تواند صاحب چندین شرکت اقتصادی باشد و عضو هیات مدیره چندین شرکت دیگر و ذی‌نفع در بسیاری امور و سطوح اقتصادی و هم‌زمان هم وزیر کار و وزیرخانه مهم اقتصادی! وزیری که در ابتدای کار خود سریعاً یک طرح گمرکی را به بهانه ناکارآمد بودن از دستور کار خارج می‌کند. طرحی که در راستای ایجاد همین شفافیت در زمینه واردات کالا به کشور و برای مقابله گسترده با کالای قاچاق تدوین شده بود و رویکرد کلی‌اش به جای کنترل مرزها کنترل فروش بود، به گونه‌ای که اگر به شکل کامل عملیاتی می‌شد دیگر کالاهای قاچاقی براحتی قابلیت فروش نداشتند و این طرح هر چه بود در راستای افزایش شفافیت بازار واردات کالا به کشور بود و خوب! براحتی کنار گذاشته شد. از سوی دیگر وزیر یادشده در ابتدای دولت یازدهم و به دنبال تصمیم دولت برای تخصیص سبد کالا به مردم اقدام به واگذاری عملیات واردات و فروش کالاهای مورد نیاز این طرح به شرکتی بدون طی تشریفات قانونی و برگزاری مناقصه کرده اقدامی که با وجود همه بهانه‌هایی که برای آن تراشیده شد اقدامی است غیرشفاف و در ادامه داستان حذف طرح سببم این گمان را تقویت می‌کند که وزیر نامبرده و وزارتخانه تحت امرش اعتقادی به شفافیت اقتصادی ندارند و اینکه بیان می‌کنند باید مدیر اقتصادی خارجی وارد کشور کنیم بیشتر نوعی شامورتی‌بازی است، چرا که اگر یک مدیر خارجی بسیار کارگشته هم در سیستمی قرار بگیرد که به خاطر بقای خود باید بسیاری کارهای درست را انجام ندهد، در نهایت خروجی عملکرد آن با وضعیت فعلی تفاوتی نخواهد کرد.

پرداخت‌های نجومی ۱۱۰ روز بعد از رسوایی فیش‌های کلان ادامه دارد

مدیران نجومی مشغول کارند!



عکس: مجتبی محمدیان/اژ

همزیستی دولتمردان با تناقضات!

محسن شهیمزادی

روا داشت. در این میان جالب‌تر آنکه رئیس جمهور در روز عید، با افتخار این حجم از سرمایه‌گذاری خارجی و نابودی اقتصاد داخلی را به مردم عیدی می‌دهد: «ما در سال ۹۵ بهاری را آغاز می‌کنیم که در آن بانک‌ها و بیمه‌های ما تحریم نیستند و می‌توانیم با کشورهای مختلف تجارت داشته باشیم و سرمایه‌گذاری‌ها در کشور ما آغاز شده و قراردادهای بسیار مهمی در سطوح مختلف با کشورهای دنیا به امضا رسیده است.»

«سیاست دولت در حوزه فرهنگ و هنر سیاست درهای باز البته در چارچوب قانون است.» این جمله نیز از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان سیاست اصلی فرهنگ کشور یاد شده است؛ سیاستی که می‌توان از آن به عنوان الگوی اساسی دولت در همه عرصه‌های مدیریتی‌اش یاد کرد، سازمان ملل را توسط بانک‌های خود، اجرا کند؛ لیستی که در آن هم دولتمردان انقلاب اسلامی حضور دارند و هم حساس‌ترین و کارآمدترین نهادهای کشور؛ سیاستی شبیه سیاست «رحماء علی الکفار» که رئیس‌جمهور نسخه داخلی آن یعنی «شدها بینهم» را بارها در باب منتقدان خود به کار بسته است.

اجرای این سیاست اقتصادی در ایران، به بیان مجله گلوبال ریسرچ، چند پیامد بسیار مهم دارد که نخستین آن، تضعیف خطرناک صنایع تولیدی در ایران است. دولت با باز کردن در اقتصاد جهانی به داخل، تبدیل به بهشت سرمایه‌گذاران شده است و سیل سرمایه‌داران خارجی را به داخل ایران روانه کرده که در نتیجه آن تولید داخلی به صورت رسمی به تعلیق درآمد و بدون انتقال تکنولوژی تولید، حجم انبوهی از کالای مصرفی وارد ایران شده است و در این زمان دولت با انبوهی از مردم مصرف‌کننده مواجه می‌شود که البته دیگر شغل تولیدی نخواهند داشت. به همین دلیل مشاغل نیز از ماهیت تولیدی به واسطه‌گری تبدیل می‌شود، چیزی معادل ویرانی استقلال اقتصادی، چیزی که «دنگ زیئولوپینگ» نه به ملت خود که به دشمنانش

قدرت نشست و با چه شعاری مردم را راضی به دیدن صحنه دست دادن وزیر خارجه جمهوری اسلامی با جان کری کرد؟ آیا جناب روحانی با شعار «برای حفظ استقلال و عزت کشور می‌رویم مذاکره کنیم» توانست رضایت نسبی عامه مردم را دربارہ دور جدید مذاکرات جذب کند؟ یا آنکه مردم وقتی مدام از رسانه ملی بشنوند عالی‌ترین مقام اجرایی کشور معتقد است «باید تحریم‌ها رفع شود تا مشکل آب خوردن مردم حل شود»، راهی جز مذاکره در پیش‌رو نمی‌بینند؟

در حالی که سخنان و خطابه‌های رئیس‌جمهور چه در پیش‌انتخابات و چه در پس‌پس‌پس‌پس محور «رفع تحریم» سروده می‌شد و رای مردم را با فرمان چرخش توأمان چرخ ساترفیوژ و زندگی مردم به سمت صندوق خود چرخاندند و هنوز بی‌توجه به همه اتفاقاتی که این روزها چه حاجت به بیان آن است، بوق فتح‌الفتوح را در کرنا کرده‌اند که برجام «دیوار تحریم» را فروریخت، مدتی پیش در میانه همین فتح‌الفتوحات، وزیر امور خارجه که بودجه وزارتخانه‌اش ۲ برابر شده و به‌جای آن چند برابر از بودجه وزارت دفاع کاسته شد، در مصاحبه با روزنامه ایران فرمودند: «البته هدف عمده مذاکرات، برداشتن تحریم‌ها نبود، بلکه حفظ عزت کشور، توانمندی‌های فنی و لغو قطعنامه‌های شورای امنیت بود» که اتفاقاً هیچ یک از تحریم‌های اقتصادی در آن قطعنامه‌ها نبود!

فارغ از همه علامت تعجب‌هایی که از این عبارت در ذهن تمام مردم ایران نقش می‌بندد، باید پرسید آیا جناب ظریف حاضر بودند این سخنان را بعد از توافق ژنو سال ۹۲ تا بعد از توافق لوزان در ابتدای سال ۹۴ یا حتی در روزهای جشن و پایکوبی برجام در تیرماه ۹۴ بیان کنند یا خیر؟! براسستی کابینه فعلی با چه وعده‌ای بر مسند

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱